



جریان‌ها و رویکردهای فرهنگی و اجتماعی شیعه معاصر در اندونزی

محمد علی ربانی^۱

چکیده

امروزه پژوهش در خصوص شیعه در اندونزی اهمیت بسیاری دارد؛ زیرا پی‌ریزی تاریخ اسلام در این کشور تحت تأثیر شیعه و مبلغان شیعی مذهب بوده است. همچنین شیعه در اندونزی بخشی از جغرافیای فرهنگی و ژئوپلیتیک شیعه به‌شمار می‌رود. اما علی‌رغم گسترش شیعه در این کشور در سال‌های پس از پیروزی انقلاب، پژوهش و تحقیق مؤثری در مورد شیعه در اندونزی صورت نگرفته است. شیعیان اندونزی که حدود دو میلیون نفر جمعیت دارند در مناطقی چون جاکارتا، باندونگ، بانگیل، جوک جاکارتا، ماکاسار، مالانگ و برخی نواحی دیگر پراکنده‌اند. از دیدگاه بیشتر پژوهشگران، انقلاب اسلامی ایران نقش بسزایی را در گسترش شیعه در اندونزی داشته است. در این مقاله پس از اشاره‌ای مختصر به مفهوم‌شناسی شیعه در اندونزی و تأثیر انقلاب اسلامی ایران در گسترش شیعه در این کشور، به جریان‌ها و رویکردهای شیعه معاصر در اندونزی اشاره شده که از آن جمله شیعه قدیم و جدید، عرب‌ها و سادات، علما و طلاب، نوگرایان شیعی و تشکل‌های دانشگاهی و روحانیون و اساتید شیعی است.

کلیدواژه‌ها: اندونزی، شیعیان، ژئوپلیتیک، جریان‌ها، انقلاب اسلامی

۱. دکترای تاریخ تشیع، پژوهشگر مطالعات فرهنگی آسیای جنوب شرقی. : rabbanimohammadali@yahoo.com



۱. مقدمه

هرچند امروزه بیشتر مسلمانان مجمع‌الجزایر اندونزی از اهل سنت بوده و پیرو مذهب فقهی شافعی می‌باشند، ولی بررسی دقیق‌تر ماهیت ترکیبی فرهنگ اسلامی در این کشور و واکاوی سیر تاریخی ورود و گسترش اسلام در این منطقه، حاکی از آن است که تماس و ارتباطات نزدیکی میان ساکنان مجمع‌الجزایر اندونزی با فرهنگ شیعی وجود داشته است. فرهنگی که از طریق دروازه‌های هند و یا مبلغان و بازرگانان شیعی مذهب ایرانی و عرب وارد این سرزمین شده است.^۱ گذشته از این رویکرد تاریخی، تمایل به احیای اسلام شیعی در اندونزی نیز همانند دیگر کشورهای منطقه تحت تأثیر انقلاب اسلامی، اتفاق افتاد. شیعیان در اندونزی در سال‌های پس از انقلاب اسلامی از انزوا درآمده و حیات تازه‌ای را آغاز کردند. هرچند بررسی جنبه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی اکثریت مسلمانان سنی اندونزی مورد توجه محققان بوده و تاکنون هم پژوهش‌های بسیاری در این زمینه از جمله از سوی پژوهشگران غربی ارائه شده، ولی پژوهش درباره شیعه نادیده گرفته شده است؛ چراکه این مذهب طی دوره معاصر همواره در معرض تهدید بوده و اقلیتی مطرود به شمار می‌آمدند. هدف این پژوهش آن است که وضعیت امروز اقلیت شیعه در اندونزی را بررسی نماید.

امروزه، پژوهش در خصوص شیعه در اندونزی به دلایلی حایز اهمیت است:

نخست اینکه پی‌ریزی تاریخ اسلام در اندونزی تحت تأثیر شیعه و مبلغان شیعی مذهب بوده و شیعه در این منطقه بخشی از مطالعات تاریخ و فرهنگ اسلامی در مجمع‌الجزایر ملایو است.

دوم آنکه شیعه در اندونزی بخشی از جغرافیای فرهنگی و ژئوپلیتیک شیعه است. لذا مسائل و چالش‌های آن در اندونزی بخشی از مسائل و چالش‌های شیعه در دوره معاصر بوده و مطالعه و پژوهش جهت یافتن راهکارهای مناسب برای برون‌رفت از آن نیز دارای اهمیت می‌باشد. علاوه بر اینکه موضوع شیعه، امروزه یکی از موضوعات مهم در تنظیم مناسبات ایران با این کشور بزرگ اسلامی به شمار می‌رود؛ زیرا امروزه موضوع شیعه‌هراسی و حرکت‌های ضد شیعی به مانعی عمده در مسیر مناسبات فرهنگی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران با اندونزی و

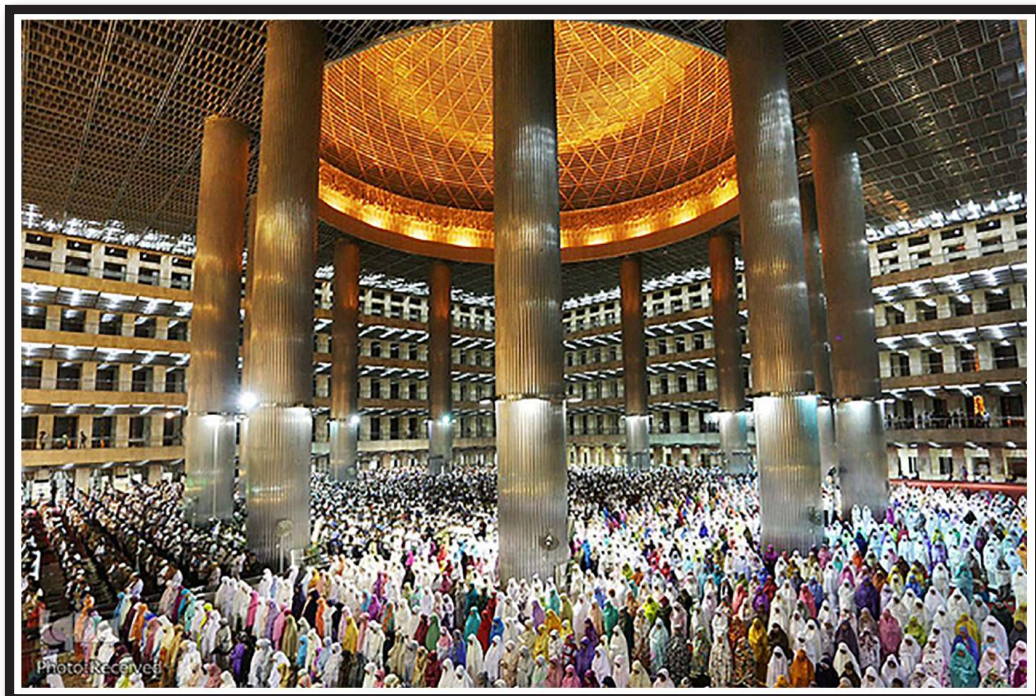
1. Fretage, Ulrike (2003). Indian Ocean Migrants and State Formation in Hadhramaut: Reforming the Homeland, Leiden and Boston Brill.



مالزی تبدیل شده است و ضرورت دارد تا در محافل علمی با واکاوی و بررسی‌های علمی راه‌های برون‌رفت از این مانع را بررسی و راهکارهای مناسبی را مطرح نمود.

سوم آنکه علی‌رغم احیا و گسترش شیعه در اندونزی در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، پژوهش و تحقیق در مورد شیعه در این کشور چندان صورت نگرفته و فقدان منابع علمی لازم در خصوص شیعه در این کشور موجب شده تا درک واقع‌بینانه و مناسبی در مورد اقلیت شیعه در اندونزی و مسائل و چالش‌های آن وجود نداشته باشد.

همچنین اهمیت پرداختن به آسیای جنوب شرقی و اندونزی به دلیل حجم جمعیتی مسلمانان، غنای فرهنگی، نژادی و زبانی و همچنین موقعیت ژئوپولیتیک آن است. کاستی‌ها و فقدان منابع در خصوص شیعه در جهان، به‌ویژه در منطقه راهبردی آسیای جنوب شرقی، رشد جریان‌های تکفیری در اندونزی و ازدست‌رفتن فرصت‌های تاریخی و فرهنگی شیعه در این کشور، براهیمت پردازش علمی و تحلیلی به موضوع شیعه در این کشور افزوده است.



۲. مفهوم‌شناسی شیعه در اندونزی

شیعیان اندونزی با جمعیتی در حدود دو میلیون نفر که در مناطقی چون جاکارتا، باندونگ، بانگیل، جوک جاکارتا، ماکاسار، مالانگ و برخی نواحی دیگر پراکنده‌اند، به آن دسته از



مسلمانانی اطلاق می‌شود که در کنار اکثریت سنی شافعی در این کشور به مذهب امامیه اعتقاد داشته و عمدتاً پس از پیروزی انقلاب اسلامی از مذهب تسنن به تشیع تغییر مذهب داده‌اند. بیشترین تراکم جمعیتی شیعه در آسیای جنوب شرقی مربوط به اندونزی است و جامعه شیعی این کشور علی‌رغم اینکه اقلیت بسیار کوچکی در برابر اکثریت سنی هستند، ولی هم به جهت تاریخی و هم در دوره معاصر جمعیتی تأثیرگذار می‌باشند (جعفریان، ۱۳۸۷). از این رو، بررسی وضعیت شیعه معاصر اندونزی نیازی مطالعاتی در شیعه‌پژوهی است؛ چراکه ارائه تصویری صحیح و دقیق تر از شیعیان آسیای جنوب شرقی به ویژه اندونزی می‌تواند نتایج مثبت و درخور توجهی به خصوص در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی به دنبال داشته باشد. کمک به تصمیم‌گیری‌ها و افزایش درک و آگاهی از وضعیت شیعیان کشورهای این منطقه می‌تواند راهگشا و راهنمای مهمی در آشنایی و اتخاذ رویه‌های سیاسی و فرهنگی باشد.

لازم به ذکر است که شیعیان اندونزی به عنوان اقلیت تحت فشار در میان اکثریت سنی، در تلاش‌اند تا به جای استفاده از واژه‌هایی همانند شیعه که آنان را از اکثریت اهل سنت متمایز می‌سازد، از واژه‌ها و مفاهیم غیر حساس و مشترک با اهل سنت همانند مذهب اهل البیت (ع) استفاده کنند، حتی اگر برداشت آنها به طور چشمگیری از فهم و درک اهل سنت متفاوت باشد. عبارت «مذهب اهل بیت» به جای واژه شیعه، عموماً زمانی توسط شیعیان اندونزی استفاده می‌شود که خود را به عنوان پیروان و گاهی اوقات محبین اهل بیت پیامبر (ص) معرفی می‌کنند. همچنین این واژه علاوه بر نشان دادن وجه اشتراک، بعضاً برای تمایز شیعه و سنی نیز به کار برده می‌شود. استفاده از واژه اهل بیت (ع) از آن جهت مهم است که واژه شیعه بار معنایی منفی برای بیشتر مسلمانان سنی داشته، امروزه عموماً این واژه توسط بسیاری از علمای سنی اندونزی به عنوان فرقه‌ای که از تعالیم راستین اسلام منحرف شده‌اند، استفاده می‌شود.

جلال‌الدین رحمت بر این باور بود که اگر واژه اهل بیت جایگزین واژه شیعه شود، شیعیان مقبول‌رو معقولانه به می‌رسند و انتظار می‌رود با افزایش استفاده از این واژه، عقاید و اعمال شیعیان به عنوان یک مذهب بیشتر مورد قبول واقع شده و شیعیان را در کنار مذهب اکثریت سنی‌های اندونزی قرار دهد. هرچند کاربرد واژه پیروان اهل البیت (ع) توسط شیعیان نتوانسته است آنان را در برابر حملات و انتقادات تندروهای سنی اندونزی محافظت نماید. چراکه



به مرور زمان این واژه به دلیل تطبیق آن با مصادیق خارجی اش (شیعیان)، بار معنایی خاص خود را نزد اهل سنت از دست داده و همانند واژه شیعه دلالت بر گروه و جریانی خاص دارد.

۳. انقلاب اسلامی و تأثیر آن در گسترش شیعه در اندونزی

هرچند میان پژوهشگران پیرامون سهم و نقش تاریخی شیعه در اندونزی اختلاف نظر وجود دارد، اما هم موافقان و هم مخالفان، در اینکه ظهور انقلاب اسلامی ایران توانسته است در ظهور و گسترش شیعه در اندونزی تأثیرگذار باشد، اتفاق نظر دارند. دکتر آزیومردی عذرآبادی، از مخالفان نقش تاریخی شیعه در اندونزی، بر این باور است که حضور شیعه در این کشور به سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی ربط دارد که عمدتاً از طریق تغییر مذهب مسلمانان سنی به شیعه صورت گرفته است. امری که مسلمانان تندروی سنی به ویژه سلفی‌ها را به واکنش و اعتراض در برابر آن واداشت.^۱

اسعد سعید علی، نایب رئیس سازمان نهضت العلماء نیز در تحلیل خود از جنبش‌های اجتماعی و سیاسی معاصر در اندونزی، جنبش شیعی در این کشور را از دو منظر شیعه سیاسی و غیرسیاسی تقسیم بندی می‌کند. وی بر این باور است که شیعه سیاسی کسانی هستند که خواست سیاسی برای تشکیل دولت اسلامی دارند و فعالیت آنها بر اساس انتشار ایده‌های سیاسی شکل گرفته است؛ حال آنکه شیعه غیرسیاسی بر توسعه ایده‌های فقهی شیعی تمرکز می‌کند. وی شیعه غیرسیاسی یا شیعه فقهی را مربوط به قرون گذشته از جمله در اوایل قرن نوزدهم میلادی می‌داند که توسط بازرگانان و مبلغان مسلمان از گجرات هند و حضرموت یمن وارد اندونزی شدند و ظهور شیعه سیاسی را به دوره معاصر و پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران می‌داند.^۲

۴. جریان‌ها و رویکردهای فرهنگی و اجتماعی شیعه معاصر در اندونزی

آمار دقیقی از جمعیت شیعیان در این منطقه وجود ندارد. این کاستی علاوه بر وضعیت اقلیت‌های شیعه به عنوان یک اقلیت تحت فشار، ناشی از اکتلاف آمارهای دریافتی از سه

1. Azra, Azyumardi. (2012). Syia Di Asia Tenggara. In D. Sofjan, Sejarah & Budaya Syiah Di Asian Tenggara. Yogyakarta: Universitas Gadjah Mada, pp. 5-9.

۲. سعید، علی اسعد (۲۰۱۳). بررسی جنبش‌های اجتماعی سیاسی اسلام‌گرا در اندونزی. جاکارتا: ترجمه و نشر راینی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - جاکارتا، ص ۲۴.



منبع مختلف، یعنی خود شیعیان که بعضاً آمارهای اغراق آمیز ارائه می دهند، منابع دولتی و منابع اهل سنت که در صد دند تا آمار جمعیت شیعیان را کم نشان دهند و همچنین منابع خارجی که بر اساس منافع خود به تحلیل و بررسی پدیده‌ها می پردازند، است. میانگین متوسط جمعیت شیعه در این منطقه قریب به سه میلیون نفر می باشد که بیش از بیش از نیمی از آنها در اندونزی و بقیه به ترتیب در تایلند، فیلیپین، میانمار، مالزی، سنگاپور و دیگر کشورهای منطقه پراکنده اند.^۱

ترکیب نژادی جمعیت شیعیان منطقه نیز عبارتند از: مالایوها که در کشورهای اندونزی، مالزی، سنگاپور و بخشی از تایلند ساکن اند. نژاد هندی که در تایلند، میانمار و بخشی از اندونزی و مالزی پراکنده هستند. عرب‌ها و ایرانی‌ها نیز دو گروه نژادی دیگر شیعیان منطقه را تشکیل می دهند که به دلیل نقش تاریخی آنان در ورود و گسترش تشیع در آسیای جنوب شرقی، قدیمی ترین گروه نژادی شیعه در این منطقه به شمار می روند.^۲ بیش از نود درصد شیعیان منطقه جنوب شرقی آسیا را شیعیان امامیه تشکیل می دهند و درصدی را نیز شیعیان خوجه تشکیل می دهند که عمدتاً در تایلند و سنگاپور سکونت دارند.

۴-۱. شیعه قدیم، شیعه جدید، مشترکات و تمایزات

همان گونه که بیان شد، شیعه در اندونزی در سه دوره تاریخی قدیم، میانی و معاصر قابل بررسی است. گذشته از بعد تاریخی، شیعه معاصر در دو قرن اخیر می توان به دو دوره اصلی، یعنی دوره قبل از انقلاب اسلامی و دوره پس از پیروزی و ظهور انقلاب اسلامی تقسیم نمود. دوره قبل از انقلاب، دوره افول اسلام و دین در این منطقه به شمار می آید؛ چراکه بخشی از جنوب شرق آسیا از جهت فکری به بلوک شرق و گرایش‌ات تند کمونیستی و سوسیالیستی و بخش دیگر نیز به بلوک غرب و تفکرات آن وابسته بود. پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ علاوه بر احیای هویت دینی مسلمانان سنی منطقه، حماسه تاریخی بزرگی برای جامعه شیعی در اندونزی نیز بود. انقلاب اسلامی ایران نه تنها به افزایش پیروان مذهب شیعه در

۱. رقم دو میلیون، بر اساس برآورد میدانی اینجانب در منطقه و ارتباط نزدیک با شیعیان به ویژه برآورد جمعیتی حاصل از بزرگترین اجتماعات شیعی در ایام محرم به ویژه عاشورا می باشد.

۲. نقش شیعه در گسترش فرهنگ و علوم ا ی در اندونزی و تایلند، به کوشش سید مفید حسینی کوهساری، کنگره بین المللی نقش شیعه در پیدایش و گسترش علوم اسلامی، ۱۳۹۷، انتشارات امام علی ابن ابیطالب (ع)، قم.



این منطقه منجر شد، بلکه میراث تشیع در این منطقه را نیز احیا نموده و برخی از عرب‌های سید و غیرسید که از شیعه به مذهب شافعی تغییر مذهب داده بودند، پس از پیروزی انقلاب اسلامی دوباره به باورهای مذهبی خود بازگشتند.^۱ العطاس^۲ پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و بیداری در برابر استعمار جدید را دو عامل عمده در گرایش به شیعه در بین مسلمانان سنی این منطقه می‌داند. وی گرایش سادات در بازگشت به مذهب شیعه در جنوب شرق آسیا را علاوه بر فهم و درک سادات از پویایی تشیع نسبت به تسنن، رهبری امام خمینی که خود یک سید بود برمی‌شمرد.^۳

بر اساس این دو دوره زمانی، شیعیان در منطقه آسیای جنوب شرقی نیز در یک تقسیم‌بندی کلی به دو جریان عمده شیعیان قدیم و شیعیان جدید تقسیم می‌شوند. شیعه قدیم عموماً به آن گروه از شیعیان اطلاق می‌شود که قبل از انقلاب شیعه بودند و شیعیان جدید نیز به نوشیعیان بعد از انقلاب اسلامی اطلاق می‌گردد. شیعیان قدیم عمدتاً تعلقات مذهبی آنان وراثتی است؛ آیین‌گرا و سنتی بوده و پیوستگی آنان بر اساس نسبت‌های قومی و قبیله‌ای شکل می‌گیرد. از جهت فرهنگی و مذهبی نیز بیشتر متأثر از حوزه‌های شیعی عربی و سنت‌های بومی می‌باشند. خود را به نظامات اجتماعی و سیاسی کشور خود متعلق و پایبند می‌دانند. همچنین شیعیان قدیم ترکیبی از شیعیان ایرانی‌الاصل، هندی، عرب و بعضاً نژادهای بومی می‌باشند. شیعیان قدیم در تایلند، برمه و اندونزی پراکنده‌اند و سنت‌ها و نهادهای خاص خود را دارند. هرچند تعدادی از آنها به ویژه عرب‌ها، پس از دوره‌ای جدایی از تشیع دوباره به جریان‌های جدید از شیعه پیوسته و در رهبری شیعه نقش اساسی را بر عهده دارند.

شیعیان جدید که از جمعیت بیشتری در برابر شیعیان قدیم برخوردارند، به جهت برداشت‌ها به دو گروه دانشگاهیان، روشنفکران، طلبه‌ها و سنت‌گرایان تقسیم می‌شوند. عمده جمعیت شیعیان در منطقه را نوشیعیان تشکیل می‌دهند که از مذهب اهل سنت به شیعه

۱. درمهدن، فردر. فون (۱۳۷۸)، دودنیای اسلام؛ روابط جنوب شرقی آسیا و خاورمیانه. م. ا. نیا، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

2. Al-attas

3. Farid, Al-Attas. (۱۹۹۹). The Tariqat al -Alawiyya and the Emergence of the Shii School in Indonesia.

Singapor: Orient Moderno, p. (۲) ۱۸ and Malaysia. Orient Modern



گرویده‌اند. این جریان، شیعه را عمدتاً از طریق انقلاب اسلامی و وجوه سیاسی و انقلابی شیعه درک کرده‌اند تا وجه فرهنگی و تاریخی آن. از این رو، تعلق خاطر آنان به ایران پس از انقلاب بیش از شیعیان قدیم است و عمدتاً فهم و درک مذهبی آنان از شیعه، برگرفته از آثار متفکران و اندیشمندان شیعی و یا طلاب تحصیل کرده در حوزه‌های دینی ایران می‌باشد. شیعیان جدید کمتر به جنبه‌های تاریخی و فرهنگی شیعه توجه دارند و بیشتر به حوزه‌هایی همانند فقه، مراسم مذهبی، کلام و سیاست که آنان را از اهل سنت متمایز می‌کند توجه و تأکید می‌نمایند. وجه اصلی انقطاع شیعه جدید از پشتوانه‌های تاریخی و فرهنگی تشیع در این منطقه نیز ناشی از همین ویژگی است؛ چراکه نوشیعیان که قبلاً سنی بودند، تمایل زیادی به گذشته تاریخی شیعه در کشور خود که مربوط به گذشته آنان نمی‌باشد، ندارند. شیعه جدید گروه‌ها و جریان‌های مختلفی دارد و تقسیم‌بندی داخلی آنان بر اساس گرایش‌های فکری و سیاسی، دسته‌بندی‌های مربوط به رهبران، منطقه جغرافیایی و سکونت‌گاه‌ها و همچنین مراکز دینی و آموزشی آنان شکل می‌گیرد. از آنجاکه شیعیان جدید در گذشته بخشی از خانواده اهل سنت به شمار می‌آمده‌اند؛ لذا جدایی آنها از دیگر هم‌کیشان و بستگان سنی خود نیز موجب شد تا نوعی تقابل و واکنش میان آنان و هم‌کیشان سابقشان شکل بگیرد. به همین خاطر، حساسیت اهل سنت نسبت به این گروه بیش از شیعیان قدیم بوده که عمدتاً ناشی از نگرانی از جدایی و تغییر مذهب دیگر اعضای سنی جامعه، فعالیت‌های تبلیغی نوشیعیان و گسترش شیعه در بین دیگر سنیان و همچنین ترس و نگرانی از گسترش مدل اسلام سیاسی شیعه در این منطقه بوده است.^۱

در سال‌های آغازین پیروزی انقلاب اسلامی، گرایش به شیعه بیشتر ناشی از جاذبه‌های ذاتی و تحول‌آفرین انقلاب اسلامی بوده و فعالیت‌های تبلیغی کمتر در آن تأثیرگذار بوده است. در این دوره، حوزه اصلی تأثیرگذاری شیعه بر روی روشنفکران بود. این گروه متشکل از جوانان اندونزیایی، مالزیایی و تایلندی بودند که در آمریکا و کانادا و برخی دیگر از کشورهای غربی تحصیل می‌کردند و در سال‌های منتهی به ظهور انقلاب اسلامی؛ جذب تحولات فکری و سیاسی در ایران شدند. آنها از طریق برخی دانشجویان و اندیشمندان شیعی و

۱. سعید، علی (۲۰۱۴). جریان‌های اسلامی معاصر اندونزی. جاکارتا: ترجمه و نشر راینی فرهنگی ج. ۱.۱. - جاکارتا، ص ۲۷.



ایرانی و همچنین مطالعه آثار اندیشمندان ایرانی همانند شهید مطهری، دکتر شریعتی و امام خمینی (ره) به شیعه‌گرایی پیدا کرده و ضمن ترجمه این آثار، در حرکتی خودجوش به تبیین و معرفی این اندیشه‌ها و انقلاب اسلامی در محیط‌های علمی و دانشگاهی کشور خود پرداختند.

شیعه بومی و شیعه قمی، تقسیم‌بندی دیگری است که می‌توان در مورد شیعه معاصر در این منطقه بیان کرد. گروهی که بیشتر آنها را طلاب تشکیل داده است، بر این باورند که تشیع به همان شکلی که از ایران و قم وارد شده، می‌بایستی حفظ و بدان عمل شود. برخی دیگر همانند ایجابی‌های وابسته به جلال‌الدین رحمت، به بومی‌سازی شیعه باور دارند و معتقدند که آموزه‌ها، سنت‌ها و ارزش‌های شیعی را باید با ظرف زمانی و مکانی خود سازگار کرد.^۱

۲-۴. عرب‌ها و سادات

شخصیت‌های برجسته‌ای از میان عرب‌های سید اندونزی ظهور یافتند. با گذشت زمان و همچنین اختلاط نژادی میان سادات و ساکنان بومی منطقه، خانواده‌های بسیاری از سادات در اندونزی شکل گرفت. خانواده‌هایی چون العطاس، السقاف، الحبشی، الشهاب، الکاف الجنید، الحداد، آل یحیی، آل محضار، آل عیدید، آل سهل و... سادات اندونزی که نسل آنها به خاندان پیامبر (ص) رسیده و از نسل امام جعفر صادق (ع) می‌باشند، از حضرموت یمن به آسیای جنوب شرقی مهاجرت نمودند و نقش مهمی را در ورود و گسترش اسلام و باورهای شیعی در این منطقه به‌ویژه اندونزی برعهده داشتند.^۲

امروزه بیش از چهار میلیون سید در اندونزی و برخی کشورهای منطقه سکونت دارند. هرچند بخش عمده‌ای از سادات امروزه شافعی و بعضاً دارای گرایش‌های وهابی می‌باشند، ولی بخشی از شیعیان در دوره معاصر نیز از سادات اند که سادات شیعه نقش عمده‌ای را در رهبری و هدایت شیعه معاصر برعهده داشته‌اند. از جمله خاندان بزرگ سادات در این منطقه، می‌توان به المحضار و دو فرزند او به نام محمد و حسین محضار که از علما بوده و به مقام استادی رسیدند، اشاره کرد.

۱. همان، ص ۱۹.

2. Mohammad, Muzaffar dato Hj (2010). Ahlul-Bait Family in Malay Sultanates, Translated by Radzie. Kualalumpur: Sapiee, Power Press and Design, Kuala Lumpur, p. 18.



المحضار در شهر بوندووسو^۱ و شهرهای دیگر در شرق جزیره جاوه منشأ خدمات بسیار بوده و حسین محضار (۱۹۸۲م) نیز در معرفی و گسترش تعالیم اسلامی و برپایی مجالس متعدد مذهبی در مناطق مختلف از جمله در جاکارتا سهم و نقش داشته است. این دو شخصیت که تلاش‌های بسیاری را جهت گسترش تعالیم شیعی در میان سادات و دیگر گروه‌ها صورت می‌دادند، با ظهور انقلاب اسلامی فرصت مناسب‌تری را برای گسترش فعالیت‌های تبلیغی خود فراهم دیدند.^۲

خاندان شهاب از دیگر خاندان بزرگ سادات اندونزی هستند. محمد ضیاء شهاب (وفات ۱۹۸۶م) و محمد اسد شهاب (وفات ۲۰۰۱م) هر دو از پسران علی احمد شهاب، از برجسته‌ترین شخصیت‌های شناخته شده خاندان شهاب می‌باشند.

محمد اسد شهاب یک روزنامه‌نگار و نویسنده پد کار بود. او ابتدا در مدارس جمعیت خیردرس خواند و سپس به مدرسه خیریه در جاکارتا منتقل شد. او در سال ۱۹۴۵م. همراه با برادر بزرگش یک آژانس خبری به نام «هیئت خبر عرب»^۳ به راه انداخت که در سال ۱۹۵۰م. به «هیئت خبر آسیایی» تبدیل شد.^۴ اسد شهاب، با مفسر و عالم نوگرای معاصر اندونزی، هم‌کام^۵ و همچنین سوکارنو، اولین رئیس‌جمهور اندونزی ارتباطات تنگاتنگی داشت.

شهاب به دلیل ارتباطات فکری که با علمای ایران و نجف داشت، توانست آرای علمای شیعه از جمله تفسیر المیزان علامه طباطبایی و آثار دیگر علمای شیعه از جمله امام خمینی، شهید مطهری و شهید صدر را به هم‌کام و آثار تفسیری او منتقل کند. از محمد اسد شهاب شمار زیادی کتاب و رساله‌های عربی برجای مانده که از جمله آن می‌توان به رساله «شیعه در اندونزی» که به زبان عربی نوشته است، اشاره کرد. وی به دلیل ارتباط با سوکارنو و برخی چپ‌گرایان مسلمان اندونزی، مورد غضب ژنرال سوهارتو قرار گرفت و سال‌های آخر عمرش را در تنهایی و حصر به سربرد. محمد اسد شهاب بارها با علمای بزرگ شیعه از جمله با عبدالحسین شرف‌الدین (وفات ۱۹۵۷م)، احمد عریف عرفان و محمد جواد

1. Bondowoso

۲. شهاب، محمد اسد (۱۴۲۶)، الشیعة فی اندونسیا، جاکارتا: مؤسسه العومل الثقافة، ص ۳۱.

3. A. P. B

4. Zolkifli. (2009). The Struggle of the Shiis in Indonesia. Leiden: Universitris Leiden, pp. 40-47.

5. Hamka



مغنیه در لبنان، هیبت‌الدین شهرستانی در بغداد، آیت‌الله محسن حکیم (وفات ۱۹۷۰م)، محمدرضا مظفر (وفات ۱۹۶۴م) و محمدتقد حکیم (وفات ۲۰۰۲م) در نجف دیدار نمود. وی زمینه اعزام جمعی از جوانان اندونزیایی را جهت تحصیل در حوزه‌های شیعی در نجف، لبنان و ایران فراهم آورد.

از دیگر بزرگان خاندان شهاب می‌توان از سه برادر یعنی قریش شهاب، علوی شهاب و عمر شهاب یاد کرد که از شخصیت‌های برجسته معاصر اندونزی به‌شمار می‌آیند. علوی شهاب سال‌ها وزیر امور خارجه در دوره سوهارتو بود و هم‌اکنون مشاور رئیس‌جمهور می‌باشد. قریش شهاب نیز سال‌ها وزیر دین اندونزی بود و از مفسران بنام معاصر اندونزی به حساب می‌آید. عمر شهاب، عضو سابق مجلس‌العلمای اندونزی نیز نقش مهمی را در دفاع از شیعه معاصر در برابر جریان‌های افراطی و وهابی سنی برعهده داشته است.

حسین شهاب و عمر شهاب دو برادر دیگر از خاندان شهاب و از رهبران شیعه اندونزی هستند که ریاست سازمان اهل‌البیت (ع) اندونزی^۱ که طیف مربوط به شیعیان سنتی به رهبری طلاب می‌باشند را برعهده دارند. این دو برادر تحصیلات دینی خود را در سال‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در حوزه علمیه قم گذرانده و هم‌اکنون به فعالیت‌های آموزشی و تبلیغی در جاکارتا مشغول هستند.^۲

خاندان الحبشی از دیگر خاندان بزرگ سادات شیعی در اندونزی هستند. سید احمد حبشی (وفات ۱۹۹۴م)، رهبری شیعیان در پالمبانگ^۳، واقع در جنوب سوماترا را برعهده داشت. حبشی دو تن از شاگردانش که امروزه همانند وی از رهبران و اساتید نامدار شیعی اندونزی به‌شمار می‌آیند را برای ادامه تحصیل به ترتیب در سال‌های ۱۹۷۴ و ۱۹۷۹م. به قم اعزام نمود. دیگر فرد مشهور از این خاندان، سید حسین حبشی نام داشت که در ۱۹۷۹م. بنیاد اسلامی یابی^۴ را در شهر بانگیل بنیاد نهاد. حوزه علمیه تحت مدیریتش نقش زیادی را در توسعه و گسترش شیعه در دوره معاصر برعهده داشت. وی تعدادی از طلاب مدرسه خود که عمدتاً عرب بودند را بعد از تشکیل جمهوری اسلامی ایران برای

1. A. B. I

۲. رایزنی، (۱۳۹۱)، بهمن و اسفند ۱-۳۰)، مستند سادات.

3. Palembang

4. YAPI



تحصیل به قم فرستاد که بیشتر آنها امروزه از اساتید برجسته شیعی در اندونزی هستند.^۱

۳-۴. جریان علما و طلاب

شیعیان آسیای جنوب شرقی از جهت گرایشات فکری به دو جریان اصلی سنت‌گرایان به رهبری طلاب و روشنفکران که عمدتاً از طیف دانشگاهی تشکیل شده‌اند، تقسیم می‌شوند. این تقسیم‌بندی در میان شیعیان اندونزی، تایلند، برمه و فیلیپین رواج دارد. امروزه طلاب که عمدتاً تحصیلات خود را در حوزه علمیه قم، یعنی مهم‌ترین مرکز تعلیم اسلام شیعی در جهان گذرانده‌اند، پس از بازگشت به کشورشان به عنوان ائمه جماعت مساجد و اساتید برجسته شیعی در این کشورها فعالیت داشته و آموزه‌های شیعی را از طریق مراکز مذهبی، یعنی مساجد و حسینیه‌ها و همچنین مدارس دینی به مردم و شاگردانشان منتقل می‌نمایند.

اندونزی بیشترین طلبه فارغ‌التحصیل از حوزه‌های دینی ایران، سوریه و لبنان را در منطقه به خود اختصاص داده است. طلاب اندونزیایی از طریق دو سیستم آموزشی سنتی و مدرن، در ایران آموزش دیده‌اند. اولین گروه از طلاب اندونزیایی، تایلندی، میانماری و فیلیپینی در سال‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در دارالتبلیغ اسلامی قم تحصیل نموده و از این مؤسسه فارغ‌التحصیل شدند. دوران تحصیل طلاب خارجی در این مؤسسه یک دوره پنج‌ساله بود که طی آن، دروس مذهبی و همچنین علوم غیرمذهبی نظیر روان‌شناسی، فلسفه، جامعه‌شناسی، ریاضیات، انگلیسی و آموزش عربی را فرا می‌گرفتند. این گروه امروزه رهبری و هدایت جریان شیعه قدیم را برعهده دارند و بیشتر با دفاتر مراجع عراق در ارتباط‌اند تا ایران.

دومین گروه از طلاب مربوط به دهه اول و دوره میانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی هستند که بیشتر آنها در مدرسه حجتیه و بعضاً در مدرسه مؤمنیه قم که نظام آموزشی آن در چارچوب نظام سنتی حوزه شکل گرفته بود، تحصیل کرده‌اند. این گروه که در فضای سیاسی و انقلابی حاکم بر سال‌های نخستین پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و همچنین سال‌های جنگ ایران و عراق در قم به سر می‌بردند، توانستند رهبری بخش عمده از نوشیعیانی که با

1. Panitia. (2002). Biografi Al-Marhum Ustadz Husein Al-Habsyi. Yayasan Pesantren Islam YAPI Bangil, p. 18.



پیروزی انقلاب اسلامی به شیعه گرویده بودند را برعهده گیرند.

سومین گروه از جریان طلاب، فارغ‌التحصیلان جامعة المصطفی (ص) در قم و یا مراکز بومی وابسته به آن هستند. این گروه که برپایه نظام آموزشی مدرن و واحدی جامعة المصطفی آموزش دیده‌اند، با تمرکز بر فعالیت‌های تبلیغی و آموزشی، برای یافتن مخاطب و همچنین پایگاهی برای فعالیت‌های دینی و تبلیغی خود یا ناچار به پذیرش رهبری دو گروه اول بوده و یا اینکه به سمت رقابت با آنان روی آورده‌اند. امتیاز این گروه از طلاب، بهره‌گیری از مدرک آموزشی جامعة المصطفی و امکان ادامه تحصیل در مراکز دانشگاهی کشورهای خود هستند که این فرصت را برای آنان فراهم آورده تا علاوه بر اخذ مدارک فوق لیسانس و یا دکترا از دانشگاه‌های معتبر کشور خود، فرصت‌های اشتغال به ویژه در مراکز علمی و آموزشی را برای خود فراهم آورند.

این رویکرد در میان طلاب اندونزیایی بیشتر مشاهده شده و امروزه جمعی از طلاب فارغ‌التحصیلان قم همانند عمر شهاب، حسن دلیل، موسی الحبشی، عبدالله بیگ توانستند



با ادامه تحصیل و اخذ مدرک دکترا از دانشگاه‌های اندونزی، مسیر فعالیت‌های علمی و دینی خود را هموارتر سازند. این سه نسل از طلاب اندونزیایی طی سال‌های اخیر توانستند با تشکیل نهادی تحت عنوان مؤسسه اهل‌البیت (ع) اندونزی منسجم شده و رهبری بخش عمده‌ای از شیعیان را برعهده گیرند. این مؤسسه که در سال ۲۰۱۳ م. و با هدف انسجام بخشی به شیعیان در برابر

حرکت‌های ضد شیعی تأسیس شده بود، امروزه بزرگ‌ترین جریان شیعی در اندونزی به شمار می‌رود.^۱

1. Syamsuri. (2002). *Almuni Hawzah Ilmiya Gum: Transmisi Syia di Indonesia*. Jakarta: UIN Syarif Hidayatollah Jakarta, p. 34.



۴-۴. نوگرایان شیعی و تشکل های دانشگاهی

دیگر جریان عمده جامعه شیعه در آسیای جنوب شرقی به ویژه اندونزی، از بستر دانشگاه ها شکل گرفته است. پیدایش این گروه را می توان واکنش مثبت روشنفکران سنی به پیروزی انقلاب اسلامی که بر پایه باورهای شیعی شکل گرفته بود، دانست. این گروه که عمدتاً از میان عناصر دانشگاهی سنی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی به شیعه روی آورده اند، تشکیل شده است را می توان اولین گروهی از نوشیعیان معاصر دانست. در اندونزی افرادی چون رضوان سهل، عبدالله بن نوح، حیدر باقر، جلال الدین رحمت و در تایلند دکتر الیاس و عبدالله مناجیت؛ همچنین برخی دیگر از چهره ها در فیلیپین و مالزی، بنیان گذاران گروه های روشنفکری شیعی در آسیای جنوب شرقی به شمار می روند که بیشتر آنها از دانشگاه های آمریکا و کانادا فارغ التحصیل شده و از طریق ارتباط با دانشجویان ایرانی هم دوره ای خود و یا تحت تأثیر تحولات سیاسی و فرهنگی پیروزی انقلاب اسلامی، به تشیع گرویدند.^۲

شخصیت های کمی وجود دارند که قبل از انقلاب به مذهب شیعه گرویده باشند. از

۱. فردر، فون درمهدن (۱۳۷۷)، دو دنیای اسلام روابط جنوب شرقی آسیا و خاورمیانه. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
2. Howard, Federspiel (1999). Muslis in Southeast Asiam Intellectual. StudiIslamic Stydiiesa Islamica. Indonesian Journal for, pp. 41-76.



اولین دانشگاهیانی که به شیعه رو آوردند، می‌توان به چهره‌هایی چون رضوان سهاد^۱، استاد دانشگاه تکنولوژی باندونگ، اشاره کرد. شخصیت برجسته دیگر، عبدالله بن نوح (۱۹۰۵-۱۹۷۸) بود که حمایت او از شیعه می‌تواند به دلیل ارتباطات خانوادگی او با علی احمد شهاب باشد. وی همچنین دوست صمیمی محمد دیا و محمد اسد شهاب دو تن از متفکرین شیعه بود. وی با اعضای جامعه سادات حضرمی در آسیای جنوب شرقی نیز ارتباط تنگاتنگی داشت. عبدالله نوح و برادرش عبدالرحمن، هر دو قبل از تحصیل در مصر، از سال ۱۹۲۶ تا ۱۹۲۸ به معلمی در مدرسه حضرموت واقع در سورابایا اشتغال داشتند. بعدها عبدالله به تدریس در دانشگاه دولتی اندونزی واقع در جوک جاکارتا^۲ (۱۹۴۵-۱۹۵۰) و همچنین دانشگاه ملی اندونزی در جاکارتا پرداخت. عبدالرحمن بن نوح به جز تدریس، یک روزنامه‌نگار و نویسنده نیز بود که برای مجلاتی (نظیر چکیده خبر ملی)^۳ کار می‌کرد. وی سرپرستی مؤسسه تحقیقاتی اسلامی مذکور و همچنین نشریه ادواری آن «پمبنا»^۴ را به مدت ده سال (۱۹۶۲-۱۹۷۲) برعهده داشت. او در این هفته‌نامه گزارش منظمی راجع به مذهب، مراحل مورد بحث از تعالیم اسلامی نظیر فلسفه، حقوق و عرفان ارائه می‌داد. از وی تعدادی کتاب همانند ترجمه برگزیده کتاب‌های فیلسوف و صوفی مشهور ایرانی، غزالی، منتشر گردید. او بعد از سال ۱۹۷۲ زندگیش را وقف تدریس در بنیاد اسلامی خود در شهر «بوگور» واقع در غرب جزیره جاوه کرد.

در این مورد اینده آیا عبدالله بن نوح واقعاً شیعه بوده یا نه^۱ تلافی نظر وجود دارد. اهل تسنن اندونزی، او را به عنوان یکی از هم‌کیشان خود تکریم کرده‌اند؛ در حالی که شیعیانی که با او هم‌پیمان شدند، وی را به شیعه نسبت داده‌اند. اگرچه عبدالله بن نوح ابراز می‌کرد که از فقه شافعی پیروی می‌کند، اما بارها در مراسم و یادبودهای شیعیان حضور می‌یافت و در کتابش به نام «رساله اُسرای دهم محرم» که در آن به سرگذشت کوتاه امام حسین (ع) و شرح حدیث معروف ثقلین پرداخته، گرایشات شیعی خود را ظاهر نموده است. او با استناد به چندین متون از مجموعه آثار حدیثی اهل تسنن، تصریح می‌کند که حدیث ثقلین صحیح بوده و هر فرد باایمان باید از اهل بیت پیامبر (ص) پیروی نماید. وی همچنین به حدیث

1. Ridwan Suhad
2. Yogyakarta
3. APM
4. Pembina



معروف غدیر خم اشاره می نماید که در آن، پیغمبر (ص) علی بن ابیطالب را به عنوان وصی و جانشین خود معرفی کرد. عبدالله بن نوح در خصوص تعریف اهل بیت (ع) در قرآن (آیه تطهیر) دیدگاه رایج اهل تسنن را نمی پذیرد و با دیدگاه علمای شیعه هم عقیده می شود که اهل بیت پیامبر (ص) را به علی، همسرش فاطمه و دو پسر او به نام های حسن و حسین منحصر می نمایند.^۱

دانشکده های دانشگاه اندونزی در طول دهه ۱۹۸۰ با جنبشی اسلامی مواجه شدند که از «مسجد سلمان» این دانشگاه سرچشمه گرفته بود. عمادالدین عبدالرحیم این نهضت را که ماهیتی زهدگرایانه و عرفانی داشت، گسترش داد و به شدت تحت تأثیر ایده های حسن البنا (وفات ۱۹۴۹ م) از اخوان المسلمین مصر، ابوالعلاء مودودی (وفات ۱۹۷۹ م) از جماعت اسلامی پاکستان و همچنین انقلاب اسلامی امام خمینی قرار داشت.

در طی این جنبش، سخنرانان با بهره گیری از منشورات و کتاب هایی که ایده ها و آرای اندیشمندان ایرانی و شیعی را معرفی می کرد، در جمع اساتید و دانشجویان به معرفی ایده های انقلاب اسلامی می پرداختند. برخی از دانشگاهیان تعالیم شیعی را به صورت فشرده نزد تعداد محدودی از طلاب همانند حسین شهاب و برادرش که فرصت و امکان تحصیل در حوزه های دینی ایران در سال های قبل و یا سال های آغازین انقلاب اسلامی را داشتند، فراگرفتند.

دانشگاه های جاواتا، باندونگ^۲ و ماکاسار^۳ در جنوب سولاوسی^۴، به مرکزی برای فعالیت های تبلیغی شیعه و ایران تبدیل شده بود. بیشتر دانشجویانی که به این گونه کانون های تبلیغی جذب می شدند، از حامیان جنبش سلمان به شمار می رفتند. معروف رین آنها حیدر باقر، پسر محمد باقر حبشی، بود که در ۲۰ فوریه ۱۹۵۷ در شهر سولو^۵ از خانواده سید از مهاجران حضرمی به دنیا آمد. وی تحصیلات مقدماتی و متوسطه را در مدرسه اسلامی دیپونگورو گذراند. حیدر باقر

1. Zolkifli. (2009). The Struggle of the Shiis in Indonesia. Leiden: Universitris Leiden, pp. 58-70.

2. Bandung

3. Makassar

4. Sulawesi

5. Solo

6. Diponegoro



که در سال ۱۹۷۵ در دانشگاه تکنولوژی باندونگ^۱ تحصیل می‌کرد و یکی از حامیان فعال جنبش سلمان محسوب می‌شد، در شورای سردبیری پوستانک^۲ که یک روزنامه اسلامی و دانشجویی به شمار می‌رفت، فعالیت داشت. او که تحت تأثیر محبوبیت امام خمینی قرار گرفته بود، به اسلام شیعی گروید. حیدر باقر در سال ۱۹۸۳ بزرگ‌ترین مرکز نشر اسلامی، یعنی مؤسسه «میزان» را راه‌اندازی کرد. مرکزی که تاکنون تعداد زیادی از منابع شیعی را ترجمه و منتشر نموده و نقش مهمی را در توسعه و گسترش مذهب شیعه در اندونزی برعهده داشته است.^۳

نسل‌های بعدی از دانشجویان دانشگاه باندونگ که به شیعه گرویده بودند، هرچند با دیگر اعضای فعال مسجد به ویژه حیدر باقر تفاوت داشتند، ولی تعدادی از آنها در سال‌های بعد به مبارزان و روشنفکران صاحب‌نام شیعه تبدیل شدند. این افراد نظیر دیمیتتری ماهایانا^۴ یکی از اساتید دانشگاه باندونگ و رئیس سابق گروه ایجابی، هادی اسواستیو^۵ و یوسف بختیار^۶ که هر دو از جامعه روشنفکری شیعه و عضو رهبری گروه ایجابی بودند، نقش مهمی را در گسترش شیعه نه تنها در شهر باندونگ که قطب شکل‌گیری جریان روشنفکری شیعه اندونزی به شمار می‌آید، بلکه در سرتاسر اندونزی برعهده داشتند.

تعدادی دیگر از روشنفکران شیعه اساتید و دانشجویانی بودند که از دانشگاه‌های جاکارتا نظیر دانشگاه ملی اندونزی،^۷ شریف هدایت‌الله،^۸ اونس،^۹ جایابارا^۹ و پارامدینه برخاستند. آنها که تغییر مذهب داده بودند الگوی مشابه جریان دانشگاهی باندونگ را دنبال کردند. ایشان نیز در مسجد دانشگاه و یا در قالب انجمن‌های مذهبی، گفتمان و اندیشه شیعی را مورد بحث قرار داده و جذب آن شدند. مولهندي^{۱۰} دانشجوی دانشگاه جایابارا با برخی دیگر از هم‌کلاسی‌هایش، در سال ۱۹۸۳ به شیعه گرویدند.

1. ITB
2. Pustaka
3. Zolkifli. (2009). The Struggle of the Shiis in Indonesia. Leiden: Universitris Leiden, pp. 58-70.
4. Dimimitri Mahayana
5. Hadi Swastio
6. Yusuf Bakhtiar
7. UI
8. UNAS
9. Jayabara
10. Molhendi



آگوست ابوبکر الحبشی^۱ که در ۱۹۶۰م. در یک خانواده مهاجر از سادات از طایفه الحبشی در شهر ماکاسار^۲ واقع در جنوب سولاوسی^۳ متولد شد، دانشجوی فعال شیعی دانشگاه ملی اندونزی بود که در اوایل دهه ۱۹۸۰ در مسجد «عارف رحم ن حکیم» دانشگاه ملی اندونزی به فعالیت تبلیغی شیعه می پرداخت و در مناظره هایش با اساتید دانشگاه و امام سنی مسجد الرحمان به شهرت دست یافت. در نتیجه فعالیت های تبلیغی اش او را از رهبری انجمن های مذهبی در مسجد محروم و همچنین از ریاست سازمان دانشجویی که برعهده داشت، برکنار کردند. این محرومیت اشتیاق او به تبلیغ را کم نکرد و با استفاده از شیوه های متعدد تبلیغ تعالیم شیعه را ادامه داد و تعدادی از دانشجویان را به این مذهب متمایل کرد. وی بعدها بنیاد بیت الحکمة در منطقه دپوک^۴، واقع در جنوب جاکارتا را تأسیس نمود و در جنبش های سیاسی شرکت داشت و بعدها با پیوستن به حزب دموکراتیک وابسته به سوسیالیو دیونو،^۵ رئیس جمهور سابق اندونزی، به مجلس راه یافت.

آگوست ابوبکر بدون شك يك چهره برجسته در گسترش شیعه در جاکارتا است. با افزایش تعداد گروندگان به شیعه در این شهر، دانشجویان شیعی دانشگاه اندونزی در سال ۱۹۸۹ يك مؤسسه مطالعاتی به نام «ابوذر» را تأسیس نمودند. این مؤسسه توسط آگوست ابوبکر، هاریونتو^۶ از دانشکده ریاضیات و علوم و آگوستین^۷ از دانشکده تکنولوژی تأسیس گردید. این گروه مطالعاتی به منظور معرفی اندیشه بیداری اسلامی و آموزه های شیعه به دانشجویان تأسیس شد. همچنین راه اندازی انجمن دانشجویان مسلمان وابسته به ایچمی^۸ (مجمع روشنفکران مسلمان اندونزی) اقدام دیگر دانشجویان شیعه در دانشگاه اندونزی بود که در انتشار تفکر شیعی نقش داشته است.

رودی سوهارتو^۹ از دانشکده ریاضیات و علوم همراه با دیگر فعالان دانشجویی از جمله دیدی

1. Agus Abubakr Arsal AlHabsy
2. Makassar
3. Sulawesi
4. Depok
5. Susilo Bambang Yudhoyono
6. Haryanto,
7. yussa Agustain
8. HMI
9. Rudy Suharto



هاردیان^۱ از دانشکده تکنولوژی، سولاستیوکو^۲ از دانشکده ریاضیات و علوم و سیف البحری^۳ از دانشگاه گونا دارما^۴ و جمعی دیگر از دانشجویان توانستند شاخه مجمع روشنفکران مسلمان اندونزی (ایچمی) را در دانشکده دپوک^۵ دانشگاه ملی ایجاد کنند. دانشجویان شیعه دانشگاه ملی اندونزی از طریق این انجمن فعالیت‌های مذهبی و روشنفکرانه زیادی را سامان دادند؛ تا زمانی که از سال ۱۹۹۵، یعنی زمانی که ایچمی به دو دسته مدافع شیعه و جریان شیعه‌ستیز تقسیم شد و جریان ضدشیعی بر آن غلبه یافت، این انجمن نیز به فعالیت خود خاتمه داد.^۶

یکی دیگر از کانون‌های جریان روشنفکری شیعی اندونزی، شهر ماکاسار^۷ واقع در جنوب جزیره سولاوسی^۸ است. تعداد قابل توجهی از روشنفکران شیعی اندونزی شیعیان از این شهر و به ویژه از بین دانشگاهیان دانشگاه ماکاسار برخاسته‌اند. جنبش دانشجویی شیعی ماکاسار از اوایل سال ۱۹۹۰ م. فعالیت‌های رو به رشد خود را آغاز کرد و هر سال بر شدت فعالیت‌های تبلیغی خود در این دانشگاه افزود.

یکی از چهره‌های برجسته این جنبش، سوراچمن^۹ است که بنیاد «اسلام» را که منابع مطالعاتی شیعه را در اختیار دیگران قرار می‌داد، تأسیس نمود. جنبش دانشگاهی شیعه در ماکاسار همانند جاکارتا و باندونگ، همکاری مناسبی با دیگرانجمن‌های دانشجویی و روشنفکری سنی اندونزی از جمله مجمع روشنفکران اندونزی (ایچمی) داشت. ممکن است دلیل پیشرفت نسبتاً سریع شیعه ماکاسار ناشی از نقش و فعالیت روشن‌گرانی همانند جلال‌الدین رحمت^{۱۰} و سخنرانی‌های برنامه‌ریزی شده و مستمر وی در جمع دانشجویان و جوانان آن شهر باشد.

1. Didi Hardian
2. Kuku Sulastyoko
3. Syaiful Bahri
4. Guna Dharm
5. Depuk
6. Zolkifli. (2009). The Struggle of the Shiis in Indonesia. Leiden: Universitris Leiden, p. 65.
7. Makasser
8. Sulawesi
9. Surachman,



امروزه هرچند جنبش های دانشجویی و دانشگاهی جاکارتا، باندونگ و ماکاسار همچون گذشته فعال نیستند، ولی در شهر دانشگاهی جوک جاکارتا^۱ جنبش دانشگاهی شیعه که در قالب مؤسسه ای به نام مؤسسه «روشنفکر» ظهور یافته است، فعالیت های تبلیغی و فرهنگی گسترده ای را به ویژه در زمینه چاپ و نشر کتاب دارد. به نظر می رسد این مؤسسه به دلیل ارتباط تنگاتنگ با جریان طلاب، توانسته است ضمن حفظ نگرش های روشنفکرانه شیعی، خود را با رویکردهای سنت گرایانه نیز تطبیق دهد.

علاوه بر جوک جاکارتا، جنبش دانشجویی شیعه در شهرهای دیگر اندونزی همانند سورابایا،^۲ پالمبانگ^۳ و ملانگ^۴ نیز فعال اند که عمدتاً به جریان ایجابی جلال الدین رحمت و یا مؤسسه روشنفکر وابسته هستند. این فعالان جوان تحت تأثیر انقلاب ایران و جنبش بیداری اسلامی، ارزش های شیعه را با آرمان های انقلابی خود منطبق یافته و بدان گرایش پیدا کرده اند. این گرایش علاوه بر آثار و نوشته های شیعی، از آثار و ایده های روشد کبری اسلامی سنی همانند هارون ناسوتیون^۵ (۱۹۱۹-۱۹۹۸م)، نورخالص مجید^۶ (۱۹۳۹-۲۰۰۵م) و برخی دیگر از روشنفکران اندونزی که تحت تأثیر جریان های انقلابی و روشنفکری ایران معاصر همانند دکتر شریعتی، استاد مطهری و دکتر سید حسین نصر بودند نیز متأثر می باشند. سازمان دانشجویان مسلمان اندونزی^۷ که توسط رژیم سوهارتو در سال ۱۹۸۷م. منحل شد.

انجمن اسلامی دانشجویی^۸ وابسته به ایچمی دو تشکیلاتی بودند که برخی اعضای آن از جمله زلفان لیندان،^۹ فاروق بخاری،^{۱۰} یوسف بختیار و سیف الدین مندری که بعضاً هم اکنون جزو شخصیت های مهم شیعه در اندونزی به شمار می آیند، نقش مهمی در

1. Yogyakarta
2. Surabaya
3. Palembang
4. Malang
5. Harun Nasution
6. Nurcholish Madjid
7. PII
8. HMI MPO
9. Zulvan Lindan
10. Furqan Bukhuri



گسترش تعالیم شیعی به ویژه در میان مجمع روشنفکران اندونزی (ایچمی) دارند.

سیف‌الدین مندری، رئیس سابق انجمن اسلامی دانشجویی وابسته به ایچمی، از ماکاسار به جاکارتا مهاجرت کرد و در آنجا بنیاد «فطرت» را تأسیس نمود. رهبران سازمان دانشجویان مسلمان به موضوع مهم شیعه، یعنی امامت و رهبری در فعالیت‌های آموزشی سازمان خود توجه جدی داشتند؛ موضوعی که بر اهمیت رهبری اسلامی تأکید داشت و برخی اعضای انجمن را نیز متقاعد کرد تا تعالیم شیعه را مورد مطالعه و بررسی قرار دهند.^۱

۴-۵. روحانیون و اساتید شیعی

طبق آداب و رسوم مذهبی رایج در میان مسلمانان آسیای جنوب شرقی، اصطلاح استاد به معنای معلم دینی است. عموماً این اصطلاح به کسانی اشاره می‌کند که در مؤسسات سنتی آموزش و تعالیم اسلامی، مدارس و دانشگاه‌های اسلامی - دولتی، مدرسه‌های دینی یا پسانترن‌ها^۲ و در مجامع مذهبی^۳ درس خوانده باشند. اصطلاح استاد در چارچوب ساختار رهبری حوزه‌های دینی اندونزی به معلمانی نسبت داده می‌شود که از جایگاه والای علمی برخوردار بوده و در میان مردم نیز شناخته شده و صاحب نام باشد. در میان شیعیان اندونزی نیز اصطلاح استاد به رهبران مؤسسات شیعی و همچنین به معلمان دینی و روحانیون اطلاق می‌شود.^۴

ل به کاربرد اصطلاح عربی استاد در اندونزی، به دلیل تأثیر جامعه نسل عرب بر جنبه‌های مذهبی، آموزشی و فرهنگی جامعه شیعه است. هرچند استفاده واژه‌های عربی در میان بسیاری از مسلمانان اندونزی رایج می‌باشد، ولی اهل سنت عمدتاً از واژه «کیاحی»^۵ برای روحانیون و مبلغان ارشد مذهبی خود استفاده نموده و واژه استاد را عمدتاً در مدارس دینی به کار می‌گیرند. این واژه در میان شیعیان کاربردی نداشته و واژه استاد را هم در نظام آموزشی وهم برای رهبرانی که از صلاحیت علمی برخوردار بوده و در زمینه فقهی و معلومات اسلامی مراتب علمی معتبری را در مراکز آموزشی ایران و عراق طی کرده باشند، اطلاق می‌ایند.

1. Zolkifli. (2009). The Struggle of the Shiis in Indonesia. Leiden: Universitris Leiden, p. 65

2. psentran

3. pengajian

4. W. Hefner, Robert (2009). Making Modern Muslims. Hawaii: University of Hawaii Press, p. 56.

5. kyai



اساتید شیعی به طور معمول در مؤسسات آموزشی و مدارس دینی آموزش می‌بینند. جایی که اطلاعات اساسی از رشته‌های مختلف معارف اسلامی در آن تعلیم داده می‌شود. بسیاری از اساتید شیعه اندونزی در حوزه‌های دینی اندونزی تحصیل و سپس برای ادامه تحصیل به مراکز آموزشی ایران، به ویژه حوزه علمیه قم رفتند. تعداد کمی نیز تحصیلات تکمیلی خود را در دیگر کشورها همانند لبنان، سوریه و پاکستان گذراندند.

نکته قابل توجه اینکه بیشتر طلاب اندونزیایی که در حوزه علمیه قم تحصیل کرده‌اند، عمدتاً توانستند تا سطوح مقدماتی و متوسطه را طی کرده و کمتر به سطوح عالی حوزوی و اجتهاد راه یافته‌اند. امروزه بخشی از فارغ‌التحصیلان حوزه قم توانستند با ورود به دانشگاه اسلامی دولتی شریف هدایت الله جاکارتا و برخی دیگر از دانشگاه‌ها، مدرک دکترای خود را اخذ نمایند. افرادی همچون عمر شهاب، عبدالرحمن بیما، محسن لیب، خالد الولید، عبدالله بیگ، موسی کاظم و تعدادی دیگر که از چهره‌های برجسته شیعی به شمار می‌روند، توانستند پس از اتمام تحصیل خود در قم و اخذ مدرک تحصیلی جامعه المصطفی (ص) در این دانشگاه‌ها ادامه تحصیل داده و با اخذ مدرک دکتری به شهرت و رتبه علمی خود بیفزایند.

این اساتید عمدتاً فعالیت‌های خود را به آموزش و تبلیغ معطوف داشته و رهبری و مدیریت بنیادها و مؤسسات آموزشی و اسلامی را برعهده دارند. این اساتید ضمن همکاری در برخی سازمان‌های جمعی همانند مؤسسه «ابی»،^۱ خود نیز مؤسسات و مراکز آموزشی دارند. منبع عمده درآمد این اساتید از طریق فعالیت‌های تبلیغی، آموزشی و وجوهات و همچنین بعضاً حمایت‌های برخی مراجع تأمین می‌گردد.

نتیجه‌گیری

هرچند ائتلاف نظر و برخی ادعاهای بحث برانگیز در مورد سهم و نقش تاریخی شیعه در اندونزی وجود داشته و دارد، ولی در این خصوص که انقلاب اسلامی توانسته است در فرهنگ اسلامی معاصر اندونزی تأثیر بگذارد و شیعه را به عنوان یک جریان مذهبی و اجتماعی وارد فضای فکری و مذهبی در این کشور نماید، اتفاق نظر وجود دارد.

۱. سازمان اهل البیت (ع)



انقلاب اسلامی ایران ضمن شناساندن حوزه معرفتی اسلام و معرفی منطق فکری خود که برآمده از خردورزی و اعتقاد و حیانی است، توانست نوعی نظام گفتمانی مبتنی بر آرمان عدالت و احیای ارزش‌های دینی و آرمان‌گرایی واقع‌بینانه را در عرصه‌های بین‌المللی گسترش دهد. همین ویژگی درک ماهیت متفاوت انقلاب اسلامی از دیگر جنبش‌های اجتماعی و شناخت خاستگاه آرمان‌خواهی امام خمینی (ره) که براساس عقلانیت نظام سیاسی شیعی و با محوریت نظریه ولایت فقیه شکل گرفته بود را برای بسیاری از مسلمانان، به ویژه روشنفکران جهان اسلام که در جستجوی جایگزین مناسبی برای عصرپساسکولار و پساغرب‌گرایی بودند، آسان و جذاب می نمود.

پیروزی انقلاب علاوه بر احیای هویت دینی مسلمانان سنی منطقه، حماسه‌ای تاریخی و بزرگ نیز برای جامعه شیعی در اندونزی محسوب می‌شود. انقلاب اسلامی ایران نه تنها منجر به افزایش پیروان مذهب شیعه در این منطقه شد، بلکه میراث تشیع در این منطقه را نیز احیا نموده و برخی از عرب‌های سید و غیرسید که از شیعه به مذهب شافعی تغییر مذهب داده بودند، پس از پیروزی انقلاب اسلامی دوباره به باورهای مذهبی خود بازگشتند.

بخش عمده از جوامع شیعی منطقه در این دوره مربوط به نوشیعه‌هایی است که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بدان گرایش پیدا کرده‌اند. پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) عامل مؤثری در تجدید حیات شیعه در اندونزی معاصر به شمار می‌آید. این تجدید حیات هم در قالب بازگشت شیعیان قدیم به هویت مذهبی خود و همچنین شکل‌گیری نسل جدیدی از شیعه با گرویدن جمعی از اهل سنت این کشور به تشیع رخ داده است.

منابع

۱. جیمز فاکس، (۲۰۰۹)، جریان‌های اسلامی معاصر در اندونزی، مؤسسه تحقیقات و مطالعات آسیا و اقیانوسیه، دانشگاه استرالیا، ترجمه محمدعلی ربانی.
۲. درمهدن، فردر، فون (۱۳۷۸)، دو دنیای اسلام؛ روابط جنوب شرقی آسیا و خاورمیانه، م. ا. نیا، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳. سعید، علی اسعد، (۲۰۱۳)، بررسی جنبش‌های اجتماعی سیاسی اسلام‌گرا در اندونزی، جاکارتا: ترجمه و نشر رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - جاکارتا.



۴. نقش شیعه در گسترش فرهنگ و علوم اسلامی در اندونزی و تایلند، به کوشش سید مفید حسینی کوهساری، کنگره بین المللی نقش شیعه در پیدایش و گسترش علوم اسلامی، ۱۳۹۷، انتشارات امام علی ابن ابیطالب (ع)، قم.
۵. شهاب، علی زین الدین، (۱۳۹۷)، مراکز آموزشی دینی شیعه در اندونزی و نقش آن در گسترش علوم اسلامی، کنگره بین المللی نقش شیعه در پیدایش و گسترش علوم اسلامی، قم.
۶. شهاب، محمد اسد (۱۴۲۶)، الشیعة فی اندونسیا، جاکارتا: مؤسسه العومل الثقافة، ص ۳۱.
۷. بنیادهای معرفت شناسی در غرب و تشیع، مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری، ۱۳۸۷، مؤسسه مطالعات تحقیقات اسلامی فتوح قم.
۸. دهشیری، محمدرضا، (۱۳۸۸)، بازتاب مفهومی و نظری انقلاب اسلامی در روابط بین الملل، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
۹. سپوزیتو، (۱۳۸۳)، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۱۰. رایزنی، (۱۳۹۱)، بهمن و اسفند ۱-۳۰، مستند سادات.

1. Azra, Azyumardi. (2012). Syia Di Asia Tenggara. In D. Sofjan, *Sejarah & Budaya Syiah Di Asian Tenggara*. Yogyakarta: Universitas Gadjah Mada.
2. Al-attas, Farid, (1999). *The Tariqat al-Alawiyya and the Emergence of the Shii School in Indonesia and Malaysia*. *Orient Modern* 18 (2). Singapor: Orient Moderno.
3. Fretage, Ulrike (2003). *Indian Ocean Migrants and State Formation in Hadhramaut: Reforming the Homeland, Leiden and Boston Brill*.
4. Howard, Federspiel (1999). *Muslims in Southeast Asian Intellectual*. *Jornal for StudiIslamic Stydiesa Islamica*. Indonesian, Nom5.
5. Zolkifli. (2009). *The Struggle of the Shiis in Indonesia*. Leiden: Universitris Leiden.
6. Ridwan Suhad, (2012), *Indonesia and Malaysia*. *Orient Modern*, Singapor: Orient Moderno.
7. Mohammad, Muzaffar dato Hj (2010). *Ahlul-Bait Family in Malay Sultanates*, Translated by Radzie. Kuala Lumpur: Sapiee, Power Press and Design, Kuala Lumpur.
8. Panitia. (2002). *Biografi Al-Marhum Ustadz Husein Al-Habsyi*. *Yayasan Pesantren Islam YAPI Bangil*.
9. Syamsuri. (2002). *Almuni Hawzah Ilmiya Gum: Transmisi Syia di Indonesia*. Jakarta: UIN Syarif Hidayatollah Jakarta.
10. W. Hefner, Robert (2009). *Making Modern Muslims*. Hawaii: University of Hawaii Press.